

قطعنامه درباره شرایط مشخص کنونی و مبارزات طبقه کارگر، خطرات پیش روی و وظائف ما

۱. مشخصه وضعیت کنونی تلاش طبقه حاکم ثبات بخشیدن به نظام سیاسی در درازمدت است. این امر مستلزم مهار تنشهای داخلی و خارجی از یکسو و حل پیچیدگیهای است که از تناقضات و عملکرد خود رژیم و مجموعه تضادهای جامعه حاصل میشود.
۲. در عرصه داخلی استراتژی رژیم همواره مهار جنبشهای اعتراضی بوده است که از سال ۵۷ تاکنون برغم افت و خیزها بصورت پراکنده با مطالبات تعین نیافته، واغلب تدافعی جریان داشته است. نظیر مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و خلقهای تحت ستم و استثمار که سالها رژیم در تلاش بود از طریق سرکوب و فریب، کشتار و اجازه ندادن به تشکل مستقل از یکسو و ایجاد تشکلهای دولتی و شبه دولتی نظیر شوراهای اسلامی کارخانهها و سازماندهی مجامع مختلف دانشجویی، زنان، محیط زست و انواع نهادهای سیاسی و انجمنها و شکل دادن به گفتمانهای مختلف نظیر اصلاح طلبی، مردمسالاری و غیره این مبارزات را با گفتمانهای عاریتی زیر سیطره کنترل خود در بیاورد. خطرات آنها را از سر دور کند.
۳. بموازات تشدید بحران اقتصادی و تبعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از پیاده سازی پروژه نئولیبرالیسم در کنارتنش خارجی و تحریمهای اقتصادی امپریالیسم آمریکا بمنظور مهار توسعه طلبی رژیم در منطقه، از یک طرف فشار اقتصادی به طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم افزایش یافت و از طرف دیگر فساد، رانت خواری و وابستگی به حاکمیت شکافی عظیم میان کارگران و زحمتکشان و طبقه حاکم را عمیق تر و گسترده تر کرد بطوری که دیگر پروژه هائی نظیر اصلاح طلبی و یوبولیسم احمدی نژادی، مردمسالاری و نظائر آنها در میان جناح های مختلف طبقه حاکم قابلیت اقناع و بسیج را از دست دادند .
۴. روند انباشت بی رحمانه سرمایه همراه با سرکوب ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی، طبقه کارگر و توده های محروم هرچه بیشتری را به میدان مبارزه کشاند. به همان اندازه که معیشت مردم مورد حمله قرار گرفت و سرکوب ادامه یافت رگه های ضد سرمایه داری در اعتراضات عمومی بر علیه دستگاه دولت و طبقه حاکم نیز افزایش یافت و خیزشهای عظیم ۹۶ و ۹۸ و هزاران اعتصاب کارگری تیلور بارزی از تشدید تضاد بین نیروی کار و زحمت با اقلیتی از صاحبان قدرت و ثروت بود که نشان داد اکثریت جامعه گام در مسیر سرنگونی انقلابی رژیم گذاشته است.
۵. طبقه کارگر بلحاظ سطح گسترده ای از اعتصابات و اعتراضات و طرح مطالبات اقتصادی و سیاسی و پیوندیابی آن با اعتراضات دیگر اقشار اجتماعی در شرایطی بتدریج در حال تبدیل شده به نیروی هژمون اعتراضات اجتماعی بر علیه وضعیت موجود است که هنوز فاقد تشکل حزبی و توده ای مورد لزوم و اتحادی گسترده و سراسری برای هدایت این مبارزات است و چپ انقلابی و کمونیست جایگاه قابل اتکاء جهت تاثیر گذاری در چالشهای طبقه کارگر و دولت و سرمایه ارا ن ندارند. اما با این وجود با توجه به بحرانهای متعدد اقتصادی و سیاسی که مدام در حال باز تولید است جنبش کارگری رو به گسترش و اعتلاء خواهد بود.
۶. طبقه حاکم و قدرت سیاسی آن در شرایط کنونی تنها بانظامی امنیتی کردن صحنه سیاسی کشور قادر به مهار اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای نبوده و نیست. بعد از سرکوبهای بی رحمانه اعتراضات گسترده سراسری ۹۶ و ۹۸ و دستگیر و ضرب و شتم رهبران و فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی تنها در سال گذشته مآشاهد نزدیک به دوهزار اعتصاب کارگری و هزاران مورد اعتراض توده ای بودیم همه این اعتراضات مهر و نشان آزادیخواهی و برابری طلبی و ضد سرمایه داری را بر پیشانی خود داشتند و هرچه مخالفت بانظام حاکم گسترده تر میشود بناچار مضامین ضد سرمایه داری در مطالبات و خواسته های جنبشهای اجتماعی افزونتر میشود و گفتمان چپ و سوسیالیستی در بین کارگران و جوانان دانشجویان مقبولیت مییابد.
۷. درست به همین دلیل است که همزمان با تلاش رژیم برای انسجام ساختار سیاسی و انطباق آن با سیاستها و منافع طبقه حاکم، علاوه بر تیغ سرکوب شیوه مهار نرم همچون بال مکمل سرکوب در دستور روز قرار گرفته است. منتهای مراتب در شرایطی که گفتمان اصلاح طلبی افول یافته است این گفتمان "عدالت خواه" و شبه چپ وابسته به حاکمیت است که این باز میداندار ادغام شعارها و مطالبات چپ در درون خود شده است. ظهور "چپ عدالت خواه محور مقاومت" با حمایت مادی و معنوی دولت، نمونه بارزی است که حاکمیت تلاش میکند از یکسو مبارزات توده های طبقه کارگر و زحمتکشان را با پیامدهای سیاسی منتج از تحولات اقتصادی و تبعات نئولیبرالیسم منحرف کند و این اعتراضات را بنام خود ثبت کند از طرف دیگر با اقدامات عملی و نظری گسترده ای با گفتمان روبه رشد چپ و سوسیالیسم در میان کارگران و زحمتکشان و جوانان و دانشجویان به مقابله برخیزد و در روند این مبارزات از تلاش جنبش کارگری برای انسجام دادن بخود و ایجاد تشکلهای مستقل و نیز تحزب کمونیستی ممانعت بعمل بیاورد.

در شرایط کنونی در دستور بودن این سیاست ضد کارگری طبقه حاکم یکی از بزرگترین خطرات و چالشهای پیش روی طبقه کارگر در روند آتی مبارزه خواهد بود. در این رابطه وظائفی مهم بردوش کارگران پیشرو و کمونیست ها ، از جمله سازمان ما قرار میگیرد که با تجزیه و تحلیل علمی و تاریخی تحولات درون جامعه و سطح مبارزه طبقه کارگر با پیامدها و تبعات چنین رویکردی در عرصه های نظری و عملی به مقابله و مبارزه بپردازند.

بنا بر این کنگره هفتم سازمان مقرر میدارد

۱. ۱ - سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با تکیه بر ادبیات و مصوبات و سیاست و استراتژی خود در جنبش کارگری موظف است در درون کارگران مراکز تولیدی و زحمتکشان محلات و نیز مطبوعات سازمانی از موضوع استقلال طبقاتی کارگران ، مبارزه همه جانبه ای را با این رویکرد رژیم در دستور بگذارد. علاوه بر آن با انحرافات رفرمیستی ، آنارشویستی ، آنارکوسندیکالیستی ، ذهنی گرایی ، فرد محوری و کیش شخصیت در درون مبارزات کارگران و تجمیع این مبارزات بر علیه پروژه "چپ محور مقاومت و عدالت خواهی" که تلاش میکند با تفسیری عاریه ای مبارزه علیه سرمایه داری را به مبارزه علیه سیاست این ویا آن دولت مستقر در شکل پیاده کردن نئولیبرالیسم کاهش دهد و از این طریق چپ انقلابی و کمونیست ها را خلع سلاح و جنبش کارگری را با افتراق و استهاله رو برو گرداند و امکان پیوند اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای با گفتمان چپ انقلابی و پیوستن آنها بویژه جوانان به جزئیات کمونیست و انقلابی را محدود و مسدود سازد ، به مقابله جدی برخیزد . اما این مبارزه و مقابله هدفمند بدون ابزارهای سازمانی لازم نتیجه مطلوب را بیار نماید.

- ۲ - طبقه کارگر بدون پیشگام انقلابی و تشکل و تحزب قادر به مقابله موثر با چالشهای پیش روی و توان پیش روی و بر انداختن نظام مستقر حاکم نیست و این حقیقت در تجربه سالهای اخیر بکرات ثابت شده است . اما برغم سیاست سرکوب و دستگیری و کشتار گسترش اعتراضات و اعتراضات کارگری و انباشت تجربیات نظری و عملی زمینه های لازم را برای فعالیت انقلابی و سازمانگرانه بیش از پیش فراهم مینماید.
- اعضای سازمان باید تلاش کنند تا با سازماندهی هسته های سرخ درون مهمترین مراکز تولیدی بمثابه سنگ بنای تشکیلات حزبی درون کارگران ، اقدام کنند. این هسته ها باید کاملاً مخفی و از اعضا و سیمپانهای سازمان تشکیل شوند . مکانیزمها و کارکرد آن در جزوات مربوطه شرح داده شده است.
- در اتحاد عمل با سایر کارگران پیشرو و کمونیست و رهبران عملی و مورد اعتماد ، اقدام به تشکیل کمیته های مخفی کارخانه و محل کار در هر واحد تولیدی که کارگران در آن مشغول بکار هستند ، بکنند. وظائف تبلیغی و ترویجی و عملی این کمیته ها و چگونگی تلفیق کار عملی و مخفی در جزوات مربوطه شرح داده شده اند.
- سازماندهی کمیته محلات در اتحاد عمل با عناصر پیش رو و تلاش جهت ارتقاء سطح آگاهی و مطالبات بیکاران ، و توده های مردم زحمتکش و شرکت در مبارزات آنها جهت تحقق خواست ها و مطالباتشان
- حمایت و شرکت در تشکلهای مستقلی که در این ویا آن مرکز کارگری و توده ای بنا بر شرایط مشخص و لوکوتاه مدت ایجاد میگردد بمنظور تاثیر گذاری در آنها و شرکت و حمایت از مبارزات و مطالباتی که به بهبود شرایط زندگی کارگران میانجامد. و همچنین تلاش برای پیوند یابی و هماهنگی اعتراضات ، اعتصابات و مبارزات کارگران بخشهای مختلف و دیگر زحمتکشان در مبارزات جاری در سرتاسر کشور.
- شکست دادن نقشه های مرتجعین و افشای ورشکستگی شعارهای برنامه ای و اقدامات تاکتیکی احزاب بورژوائی ایوژیسیون و جناحیندیهای درون رژیم و توطئه های عوامل حاکمیت و سرمایه داران در به انحراف کشاندن مبارزات جاری و توضیح این واقعیت به توده های کارگرو زحمتکش که هرگونه امیدواری به مسالمت آمیز بودن نتیجه مبارزه قدرت بین اکثریت عظیم کارو زحمت با قدرت سرکوبگر حاکم و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود امیدی است واهی و بی نتیجه